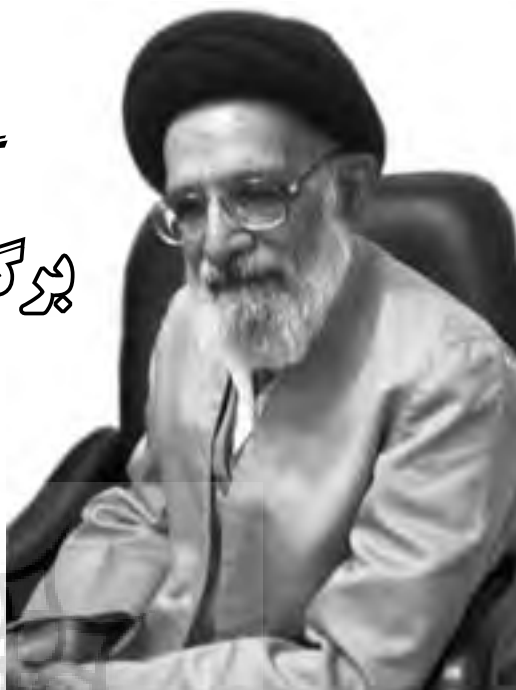


## گفت و گو با احمد حسینی اشکوری برگزیده ششمین دوره آیین حامیان نسخ خطی



● امیرحسین شرافت  
محقق و کارشناس کتاب

پس از بازگشت به نجف اشرف در مدرسه وسطی (آخوند) سکنی گزیده، در درس و بحث متمحص شد. سطوح عالی را نزد شیخ محسن هراتی و شیخ علی اخوان خراسانی و شیخ محمدعلی مدرس افغانی خواند و کفایة الاصول را نزد شیخ مجتبی لنگرانی تلمذ کرد. در عروض و قوافی و بخشی از علم هیأت و فلک از استادش شیخ مرتضی مدرس گیلانی بهره برد.

به دلیل اینکه دروس حوزوی آن هنگام او را راضی ننمود و احساس می‌کرد باید کاری انجام دهد که در حوزه‌های آن زمان کمتر بدان می‌پرداختند، به تصحیح کتب و تحقیق نسخ خطی روی آورد، ولی در عین حال از مجالس خصوصی اساتید بزرگ مانند مرحوم آیت‌الله سید ابوالقاسم خوبی بهره می‌برد.

پس از مهاجرت به قم نیز از علامه طباطبایی صاحب المیزان بهره‌های علمی پراکنده برد. در قم نیز به تدریس شرح ابن عقیل، تبصرة المتعلمین و شرایع الاسلام مشغول بود، ولی پس از گذشت حدود یک سال و نیم تدریس را نیز رها کرده و به تألیف و تحقیق پرداخت.

عشق به مطالعه کتاب از کودکی در او ریشه دوانده بود. کتاب را در هر موضوع - علمی، تاریخی، سیاسی، یا رمان - از اول تا آخر می‌خواند و این عادت تا بحال نیز ادامه دارد.

مطالعه در موضوعات مختلف علاوه بر خلاقیت در نگارش فارسی و قوت تألیفات به زبان عربی، در او دانشی ایجاد کرد که همواره پاس‌خگوی جوانان و افراد سؤال‌کننده در موضوعات مختلف بود.

آثار قلمی استاد اشکوری به صورت تألیف، تصحیح و ترجمه

سید احمد اشکوری در ۱۳۱۰ شمسی در نجف اشرف از خانواده‌ای مذهبی و اهل علم متولد شد. پدرش در نه سالگی او را به مکتب فرستاد. پس از درس‌های اولیه قرائت، قرآن کریم و گلستان سعدی و برخی از کتاب‌های تاریخ و شعر و ادبیات فارسی را نزد شیخ علی‌اکبر آموخت و در همان زمان، از همشاگردی‌های خود در فن کتابت و قرائت و انشا پیشی گرفت.

جامع المقدمات را نزد پدرش سیدعلی شروع کرد، ولی استمرار نیافت. از این‌رو تتمه آن را نزد سید نورالدین کازرونی ادامه داد، فوائد الصمدیه و حاشیه تهذیب المنطق یزدی و شرح نظام و سیوطی و شرح شمسیه را نزد شیخ محمد رشتی فرا گرفت و حاشیه را بار دیگر نزد شیخ کاظم تبریزی خواند. بخش دیگری از کتاب‌های ادبی را نزد شیخ محمدعلی مدرس افغانی فرا گرفت و جلد اول شرح لمعه را نزد شیخ غلامرضا باقری اصفهانی آموخت.

در سن هفده سالگی به جهت مشکلات مالی راهی بغداد شد. چهار سال به کسب و کار و تجارت اشتغال داشت، ولی رابطه خود را با دانش و علم نگسست، شب‌ها و ایام تعطیل نزد شیخ فاضل لنگرانی شرح باب حادی عشر و بخش مهمی از شرح تجرید را فرا گرفت و از او بهره فراوانی در مباحث عقلی و کلامی برد. بار دیگر جلد اول شرح لمعه را نزد شیخ هادی شطیط خواند.

شب‌های ماه مبارک رمضان و بعضی از اوقات دیگر با دوستش شیخ حامد واعظی سبزواری کتاب الامالی شریف مرتضی، القوائد السبع العلویات ابن ابی الحدید، القوائد السبع المعلقة روزنی و بخشی از مقامات حریری را مباحثه نمود.



هیچ یک از تحفه‌های عالم، جاوید نیست، فقط دانش است که جاودانه است و اثر علمی است که همیشه زنده و باقی می‌ماند. کتاب می‌تواند انسان را جاوید بدارد، پس با هیچ تحفه‌ای نمی‌توان آن را سنجید

می‌شدند شخصیت‌های علمی و برازنده بودند و با شوق فراوان در محضر درسی‌شان حاضر می‌شدم و از آن‌ها بهره‌های علمی و عملی می‌بردم. در مراحل فراگیری دانش از کودکان‌ها به حساب نمی‌آدمم و استادان با لطف خاصی مرا می‌پذیرفتند. از آن رو که به تخصص اعتقاد دارم، معتقدم که طلاب جوان حوزه باید تا مرحله «خارج» را خوب بخوانند، پس از آن به رشته‌های تخصصی بپردازند، ادبیات، فقه و اصول، علوم عقلی، تاریخ، تفسیر، سخنوری و رشته‌های دیگر علمی را پیگیری کنند و با کوشش و جدیت در یکی از این موضوعات کار کنند تا بتوانند شخص مثبتی در کار و تخصص خود باشند. این اندیشه مرا برانگیخت تا رشته تحقیق را برگزینم و بیش از چهل سال است که در این راه قدم گذاشته‌ام و توفیق یافته‌ام که تعدادی از آثار علمی گذشتگان را احیا نمایم.

بالغ بر ۱۷۰ مجلد مشتمل بر ۱۰۵ عنوان می‌باشد، هم‌چنین از وی بیش از ۵۰ مقاله در موضوعات گوناگون چاپ و منتشر شده است.

حجت‌الاسلام سید احمد اشکوری در ششمین «همایش حامیان نسخ خطی» به پاس پنجاه سال خدمات ماندگار به میراث جاودان ایران و اسلام بعنوان فهرست‌نگار برجسته مورد تقدیر قرار گرفت.

ضرورت پژوهش در فهرست‌نگاری و کارهای انجام شده در این زمینه، حیطة وظایف فهرست‌نگار و دامنه کار فهرست‌نگاری، مقایسه احیا تراث شیعه با احیا متون اهل سنت از مواردی بود که در گفت‌وگو با استاد اشکوری مطرح شد.

گزارش کتاب‌شناسی آثار استاد اشکوری پایان بخش این گفت‌وگو است.

■ نخستین شوق و علاقه شما به کتاب از کجا و چگونه آغاز شد؟

□ من از خاندانی علمی مذهبی برخاسته‌ام، تا آنجا که اطلاع دارم نیاکان ما از روحانیان محترم اشکورات بودند و مردم گیلان به آنان ارج می‌نهادند و عقیده دینی داشتند. جدم مرحوم سید حسن اشکوری برای تحصیل به نجف آمد و همانجا ماند، و پدرم نیز در حوزة نجف تحصیل نمود و با آنکه به سختی امورات زندگی را می‌گذراند، هیچ‌گاه دست نیاز به کسی دراز نکرد و با قناعت زندگی را اداره می‌کرد. در چنین خانواده‌ای من تربیت یافتم و درس استغنا آموختم.

■ قبل از هر سخنی لطفاً مختصری از تولد و کودکی و خانواده خود بیان فرمایید.

□ شب سیزدهم ربیع الاول ۱۳۵۰ هجری قمری در نجف اشرف پا به عرصه وجود گذاشتم. پس از طی دوران کودکی در مکتب‌خانه‌ای قدیمی خواندن و نوشتن آموختم، به روشی که در آن روزگار مرسوم بود و آموزش با کندی پیش می‌رفت، ولی عالمی خاص داشت و توأم با بیم و اضطراب بود.

در آغاز ورودم به حوزه و اشتغال به درس‌های حوزوی، نزد پدرم شروع به فراگیری ادبیات عرب نمودم، اما دیری نپایید که نزد استادان دیگر به درس و بحث پرداختم. استادانی که انتخاب

بازگو می‌کنند که به ودیعت گذاشته شده و دست به دست به ما رسیده است.

بدین منظور، ما احتیاج به شناسایی کتاب‌ها و اسناد داریم، باید خود دست‌نویس‌ها را بشناسیم و مکان‌های دسترسی به آن‌ها را معرفی کنیم تا محققان و دانش‌پژوهان آن‌ها را بیابند. تنها راه یافتن آن‌ها فهرست‌ها و اطلاعاتی است که فهرست‌نگاران منتشر می‌کنند و اگر این وسیله نباشد چنین راه‌یابی دانشی برای ما میسر نخواهد بود.

فهرست نسخه‌های خطی و معرفی اسناد قدیمی را من «کلید فرهنگ» می‌نامم، اگر این کلید را در دست نداشته باشیم چگونه می‌توانیم گنجینه‌های ذخایرمان را بیابیم و از آن‌ها بهره‌های علمی داشته باشیم؟ فهرست اولین قدم دانش است و بهترین راه‌گشا.

#### ■ فعالیت‌های انجام شده در زمینه فهرست‌نگاری را چگونه

می‌بینید؟

□ در کشور ما بخصوص کارهای بسیاری در رابطه با نگارش فهرست نسخه‌های دست‌نویس انجام شده، در بعضی فهرست‌ها گفته‌ها بیش از لزوم گسترش داده شده و بعضی از آن‌ها بسیار مختصر و گویا آمده است. میانه این دو جهت فهرست‌های اندکی تحریر شده است و چون خودم به این فن اشتغال دارم، نمی‌توانم به تفصیل در این جهت سخن گویم.

#### ■ شیوه‌های فهرست‌نگاری در ایران و مزایا و معایب آن در کشور

ما چیست؟

□ مکرراً این موضوع در مصاحبه‌ها از من سؤال شده و پاسخ گفته‌ام. فهرست‌نگاران روش مشخص واحدی ندارند و گاهی یک فهرست‌نگار چند روش در فهرست‌هایش بکار می‌بندد. بیشتر این گروه، به نظر من در نگارش‌های خود با برنامه مشخص و حساب شده‌ای کار نمی‌کنند. بعنوان نمونه جلد‌های فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران را ملاحظه کنید، در بخش کتاب‌های مرحوم مشکات سخن به درازا کشیده شده و به بحث‌های جنبی بسیاری پرداخته‌اند و باقی جلد‌های همین فهرست را به گونه‌های مختلف نگاشته‌اند، زیرا طرح از پیش ساخته شده دقیق نداشته‌اند. گاهی کتاب را با تمام ریزه‌کاری‌های لازم و غیر لازم معرفی می‌کنند که گویی پیرامون آن کتاب یا نسخه می‌خواهند مقاله‌ای بنویسند و گاهی به یک سطر بسنده می‌کنند که مراجعه‌کننده نمی‌تواند کتاب و نسخه مورد نظر را بشناسد.

این نقاط ضعف در بیشتر فهرست‌ها به چشم می‌خورد، چون فهرست‌نگاران روش مشخصی برای کارشان ندارند. اما از اینکه معرفی و شناخت کتاب تا اندازه‌ای مد نظر آقایان فهرست‌نویسان بوده و اطلاع‌رسانی اجمالی داشته‌اند، می‌تواند از مزایای کارهای کشورمان به حساب آید.

از آغاز آموزش خواندن و نوشتن، علاقه شدیدی به مطالعه داشتم، حتی در کوی و برزن و هنگام خوراک نیز کتاب از من جدا نمی‌شد. آنچه را که به دستم می‌رسید می‌خواندم، گرچه در بسیاری از اوقات نمی‌فهمیدم که چه می‌خوانم. علاقه به خواندن وسیله پیوند من با کتاب بود و بتدریج تمام وقت مرا گرفت و تقریباً از هر لذت دیگری جدا کرد.

هیچ یک از تحفه‌های عالم، جاوید نیست، چندی بعنوان تحفه عرضه می‌شود و مردم بدان شوق می‌ورزند و بی تحصیل آن می‌روند، ولی پس از مدتی از گردونه خارج می‌شود و به فراموشی می‌سپارند. فقط دانش است که جاودانه است و اثر علمی است که همیشه زنده و باقی می‌ماند. کتاب می‌تواند انسان را جاوید بدارد، پس با هیچ تحفه‌ای نمی‌توان آن را سنجید.

#### ■ کتاب و کتابخوانی چه جایگاهی نزد شما دارد؟

□ کتاب وسیله‌ای است برای دانش آموزی نه هدف، و کتابخانه گنجینه‌ای است برای علم‌اندوزی نه تجمل. من کتاب و کتابخانه را دوست دارم، اگر مرا راهنما و چراغ فرا راه باشد، نه آن که به تعداد کتاب‌هایم بنازم. علاقه و عشق‌ورزی این چنینی، چیزی جز کوه نظری نیست؛ مانند علاقه کودکان خردسال می‌ماند که به عروسک و اسباب بازی خود دارند. کتاب خوب است اگر توأم با بهره‌گیری از آن باشد و کتابخانه نیکو است اگر بتواند کتابخانه‌دار را دانشمند سازد و گرنه اسباب بازی است و کتابخانه‌دار، کودک خردسال!

با جمعی از دوستان به دیدار شخصیتی رفتیم، ما را در کتابخانه زیبا و مجلل خود پذیرفت، ضمن بحثی نیاز به کتابی افتاد، چون کتاب را از صاحب کتابخانه خواستیم، گفت: ندارم. من کتاب را در قفسه دیده بودم، کتاب را برداشتم و مطلب حل شد.

#### ■ تا چه حد جناب عالی ضرورت پژوهش در فهرست‌نگاری

معتقدید؟

□ برای شناسایی فرهنگ‌ها که می‌توانیم به فرهنگ و تاریخ فرهنگی گذشتگان دست یابیم و از دریافت‌های آنان بهره ببریم دو راه وجود دارد:

نخست، بازمانده‌های باستانی و آنچه از خرابه‌ها یا آثار قدیم دیگر کشف می‌شود که پس از کاوش و تحقیق و دقت در آن‌ها بخشی از تاریخ یا فرهنگ امت یا گروه یا منطقه‌ای آشکار می‌گردد و گم شده‌ای پیدا می‌شود. البته این راه با حدس و تخمین فراوان توأم و در پاره‌ای از نتیجه‌گیری‌ها نمی‌تواند اطمینان‌بخش باشد، گرچه کمک فراوان به دریافت حقایق پنهان است.

دوم، کتاب‌های خطی و دست‌نویس‌ها و اسناد مکتوبی که از گذشتگان باقی مانده و از آفت‌های گوناگون در طول قرن‌ها جان سالم بدر برده‌اند. این کتاب‌ها و اسناد، معارف گوناگونی را

□ چنانکه اشاره کردم، فهرست نسخه‌های خطی «کلید فرهنگ» است. هر محقق و پژوهشگر بواسطه فهرست می‌تواند گم شده خود را بیابد و اگر این وسیله نباشد، راهی به یافتن نسخه مورد نیاز نمی‌ماند، باید محقق مدت‌ها وقت صرف کند و در کتابخانه‌ها کاوش نماید تا خواسته خود را بیابد که در بسیاری از مواقع کوشش وی بدون نتیجه می‌ماند، اما با صرف اندک مدتی می‌تواند با دقت در فهرست‌ها خواسته خود را باز یابد و بیهوده وقت گرانبها را نگذارد. این بهترین تأثیر فهرست برای محقق و پژوهشگر می‌باشد.

از سوی دیگر، ارائه منابع فراوان برای تحقیق در هر یک از شاخه‌های دانش کمکی شایان است. کاوشگری که در موضوع خاصی تحقیق می‌کند، با مراجعه به فهرست‌ها می‌تواند منابعی بیابد که از آن‌ها اطلاع ندارد، و بدین وسیله سطح تحقیق خود را گسترش دهد و پربارتر سازد و از محدودیت در پژوهش فراتر رود.

■ نقش رایانه را در تسهیل و یکسان‌سازی فهرست‌ها بخصوص فهرس مفصل تا چه میزان می‌داند؟ هم‌چنین وضع موجود و ضرورت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

□ سازمان‌دهی فهرست‌ها و یکنواخت ساختن آن‌ها برای تغذیه رایانه و اطلاع‌رسانی عموم، کاری لازم و بسیار ارزنده است، البته اگر توسط کارشناسان باتجربه و بدون شتابزدگی انجام شود. متأسفانه بیشتر فیش‌برداری‌ها و سپردن معلومات به رایانه در محیط‌های علمی ما به دست کسانی که برای این کار مهم آمادگی کامل ندارند، سپرده می‌شود و در نتیجه آن گونه که باید باشد نیست.

به نظر من، باید اول طرحی حساب شده پس از مشورت با فهرست‌نگاران سابقه‌دار تنظیم شود که بر اساس آن طرح همه فهرست‌های منتشر شده یکنواخت گردد. در رتبه دوم فهرست‌های تصحیح شده توسط مؤلفان آن‌ها یا محققان دیگر باید اساس کار قرار گیرد تا آشوب و نادرستی‌ها در رایانه راه پیدا نکند و پژوهشگر را گمراه نسازد.

■ مهم‌ترین آسیب‌های فهرست‌نگاری در حال حاضر چیست؟  
□ این که از رسالت خارج شده و به صورت تجارت درآمدی است. فهرست‌نگاری را نشان دارم که کتاب‌ها را برگ‌شماری نمی‌نمود تا هر روز نسخه‌های بیشتری را فهرست کند و برای هر کتابی هزار تومان دریافت کند. فهرست‌نگار دیگری به کتابخانه‌ای راه یافت و بدون دقت لازم صفحاتی را سیاه کرد تا در ازای هر صفحه‌ای مبلغ مخصوصی بگیرد. این گونه شتابزدگی‌ها را که در عصر ما فراوان است از آفت‌های بزرگ فن فهرست‌نگاری می‌دانم و باید جدا از آن پرهیز شود.

**دامنه کار فهرست‌نگار بسیار گسترده است به گستردگی فرهنگ، پس کسی که به این فن می‌پردازد باید بداند که چه تکلیف بزرگی بر عهده وی نهاده شده و خود را برای درست انجام دادن این وظیفه علمی آماده سازد**



**فهرست نسخه‌های خطی «کلید فرهنگ» است. هر محقق و پژوهشگر بواسطه فهرست می‌تواند گم شده خود را بیابد**

■ تا چه میزان نیاز به اصلاح فهرست‌های گذشته وجود دارد؟  
□ بیشتر فهرست‌های منتشر شده در ایران باید بازبینی شود و نوشته‌های فهرست‌نگاران با نسخه‌های مورد نظر تطبیق شود تا نام صحیح کتاب و مؤلف به دست بیاید و مشخصات لازم که مجهول مانده معلوم شود. عوض کردن نام کتاب‌ها و گاه اختصار در آن‌ها و در بعضی فهرست‌ها ترجمه نام‌های عربی به فارسی و هم‌چنین نادرست یاد کردن نام مؤلفان، سبب گمراهی گروهی از جویندگان است، بخصوص جویندگان تازه کار که در کتاب‌شناسی تجربه کافی ندارند. البته چند فهرست مهم توسط مؤلفان آن‌ها در نسخه‌های مخصوص به خودشان تصحیح شده است که اگر آن تصحیح‌ها و استندراکات تنظیم و چاپ شود می‌تواند کمک شایانی برای محققان باشد، مانند فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی و کارهای مرحوم دانش‌پژوه.

■ حیطه وظایف فهرست‌نگار از جهت دامنه کار فهرست‌نگاری تا چه میزان است؟

□ فهرست‌نگار وظیفه راهنمایی دارد و باید فقط از دید فرهنگی کارش را انجام دهد و از عناوین دیگری چون طلب شهرت و خودنمایی یا کسب مادی و دیگر عناوین این چنینی به دور باشد. پس شتابزدگی در نگارش برای تحصیل اغراض غیر فرهنگی او را از وظیفه اصلی که بعهدده وی نهاده شده بدور می‌دارد و مراجعان به فهرست او را سرگردان می‌سازد و این نوعی خیانت به علم و دانش است.

دامنه کار فهرست‌نگار بسیار گسترده است به گستردگی فرهنگ، پس کسی که به این فن می‌پردازد باید بداند که چه تکلیف بزرگی بر عهده وی نهاده شده و خود را برای درست انجام دادن این وظیفه علمی آماده سازد.

■ تأثیر فهرست‌نگاری در تحقیق و پژوهش چیست؟



■ دیدگاه جناب عالی در مورد انتشار همه نسخه خطی کشور با هدف اطلاع رسانی چیست؟

دیگران بهره برد، اگر کاربرد از بدون طرح صحیح چیزی بنگارد یا اندیشه‌ای را منعکس سازد هم خود گمراه است و هم دیگران را گمراه می‌کند و این خیانت به علم و دانش بحساب می‌آید. اما در پاسخ بخش دوم این سؤال به نظرم باید با کارشناسی به گنجینه‌های نسخ خطی کمک شود، کمک‌های مادی و کمک‌های فنی. بسیاری از گنجینه‌هایی که من دیده‌ام با فقر مادی و ناآگاهی فنی درگیرند و تعدادی از آن‌ها در حال از هم پاشیدگی می‌باشند. آسیب‌های رطوبت، موربانه، سوسک، موش و تهویه غیر صحیح، میراث مکتوب ما را در خطر جدی قرار داده است، اگر جدا به فرهنگ خود علاقه‌مندیم باید بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی به داد این ذخایر برسیم، هر کجا باشد و در اختیار هر شخص یا کتابخانه عمومی یا مدرسه و مسجد که باشد به دور از اعتبارات شخصی و عنوان طلبی و فقط برای خدمت به فرهنگ.

■ از کارهای انجام شده، در دست انجام و برنامه‌های آینده خودتان بگویید.

□ بیش از پنجاه جلد فهرست نسخه‌های خطی به چاپ رسانده‌ام و دربارهٔ چهار عنوان از نسخ خطی گذشتگان را تحقیق کرده و طبع رسانده‌ام. فهرست‌نگاری چند کتابخانه را انجام داده‌ام که پس از بازبینی با خواست خداوند متعال چاپ می‌شود، در ضمن دو اثر دلیل المخطوطات و التراث العربی المخطوط که مجلداتی از این دو انجام شده و کوشش بیشتری می‌طلبند، با خداست و با توفیق الهی راهی را که تا بحال پیموده‌ام در آینده در پیش روی خواهم داشت.

■ در سال‌های اخیر تحقیق و تصحیح متون و تراث شیعه مورد توجه قرار گرفته و مراکز و مؤسسات زیادی نیز در این زمینه فعال شدند. از نظر شما عوامل مؤثر در این حرکت چیست؟

□ کتابخوانی که در سال‌های اخیر بیش از پیش رایج شده می‌تواند یکی از عوامل بوجود آمدن مراکز پژوهشی باشد. از سوی دیگر تشویق مادی نیکوکارانی که با دین و دانش تا حدودی سر و کار دارند. هم‌چنین توجه بعضی از مراجع بزرگ به ضرورت احیا میراث اسلامی و سرمایه‌گذاری بدین منظور بسیار مؤثر است. بالأخره مهیا بودن وسائل پژوهش و وجود پژوهشگرانی که با علاقه به آثار گذشتگان می‌نگرند از عوامل مؤثر در این حوزه بشمار می‌رود.

■ سطح علمی تحقیقاتی که در احیا متون و پژوهش‌های تراثی در ایران انجام گرفته و می‌گیرد، چگونه است؟

□ سطح علمی تحقیقاتی کارهای انجام شده، متوسط است. باید کسانی به کار تحقیق متون پردازند که تخصصی کار کرده باشند و کتابی را که تحقیق می‌کنند، در حیطه تخصص آن‌ها باشد.

□ چاپ و نشر نسخه‌های خطی بازمانده، هدفی والا برای گسترده‌سازی فرهنگ اصیل ایران اسلامی بشمار می‌آید. بسیاری از کتاب‌ها در سابق به صورت چاپ سنگی یا غیر سنگی و بدون تحقیق با این که به صورت مطلوبی چاپ نشدند ما با گنجینه‌های پررهبایی آشنا شدیم. پس از سالیانی دراز، محققانی پاره‌ای از آن کتاب‌ها را شناختند و با روشی علمی تحقیق و تصحیح کردند، اگر چاپ آن چنانی نبود، ما اطلاعی از آن کتاب‌ها نداشتیم. من معتقدم که کتاب باید چاپ شود، البته چاپی پاکیزه و روزپسند که در عصر ما امکان‌پذیر است، محققان آینده به حسب تخصص و علاقه خود این کتاب‌ها را می‌شناسند و تحقیق و تصحیح می‌کنند. انتشار همه نسخه‌های خطی کشور آرزویی است دور و دراز، ولی کوشش در این راه پسندیده و نتیجه‌ای نیکو خواهد داشت.

■ چه پیشنهادهایی جهت بهبود وضعیت و شرایط فهرست‌نگاری و حفظ و حراست از گنجینه‌های مکتوب و میراث کشور دارید؟

۱. برای بهبود وضعیت فهرست‌نگاری باید شخص فهرست‌نگار پیش از دست بکار شدن در این فن، اطلاعاتی در دانش‌های ادبی و تاریخی و دینی تحصیل کند و با بینش علمی به کار پردازد. اگر فهرست‌نگار چنین باشد با اسلحه کامل وارد این میدان می‌شود و بخوبی از عهده کار برمی‌آید.

۲. فهرست‌نگاری فقط برای تحصیل دانش و انتقال آن به دیگران با انگیزه علم دوستی و نشر فرهنگ کار کند و از خودپرستی و خودخواهی و دیگر عناوین این چنینی به دور باشد.

۳. کمال حوصله را پیشه خود کند و از عجله و شتاب بپرهیزد، شتاب در هر کار سبب درهم ریختگی آن کار خواهد شد و در نتیجه حاصل کار آن گونه که باید و شاید انجام نمی‌شود.

۴. با طرح صحیح و حساب شده شروع بکار کند و از تجربه

**کتابخانه‌های عمومی و مراکز فرهنگی از دسترنج مردم تأسیس و اداره می‌شوند، باید هر چه بهتر در خدمت پژوهشگران در هر تخصص و لباسی باشند، هر گونه کوتاهی در برآوردن نیازهای آنان، خیانت به علم و دانش است**

نوآور با الهام گرفتن از گفته‌ها و نظرات گذشتگان، به راه خود می‌روند. این دو هیچ‌گاه با یکدیگر تصادم ندارند تا فرض کنیم که مانع پیشبرد مقاصد می‌باشند.

■ تیراژ پایین و نداشتن مخاطب (به غیر از متون درسی) و عدم رعایت حق التألیف (کپی‌رایت) از آسیب‌های فعالیت‌های تراثی در ایران است. چه راهکاری برای حل این دو مشکل و مشکلات دیگر پیشنهاد می‌کنید؟

□ مخاطبان تراث، دانشمندان متخصص هستند و بالطبع تیراژ این گونه کتاب‌ها نیز پایین خواهد بود و نباید توقع داشت مانند تیراژ یک داستان یا کتاب‌های تاریخی همگانی باشد که همه قشرها بدان‌ها روی آورند.

به نظرم چاپ پاکیزه و علمی کتاب‌های تراثی و بازاریابی خوب در کشورهای عربی و اسلامی و ارتباط با مؤسسه‌های تحقیقی جهان، می‌تواند تیراژ را بالا برد و ارزش کارهایمان را بنمایاند.

اما وجود حق تألیف برای دلگرم کردن مؤلفان و تشویق محققان، باید رعایت شود و نادیده گرفتن این حق دارای پیامدهای ناگوار معنوی و مادی بسیاری است که به گسترش تحقیق و نشر آسیب می‌زند. من برای این موضوع مثال‌های فراوانی دارم که در این گفت‌و‌گوی جای برای بازگویی آن‌ها نیست.

■ اصلی‌ترین دغدغه شما در زمینه کتاب و کتابخانه در گذشته و حال چه بوده و هست؟

□ کتابخانه گلزاری است که گل‌های گوناگون در بر دارد، عقل‌پرداز، چشم‌نواز، روح‌پرور و نیکو منظر، اگر عقل ما زایل و چشم ما کور و روح ما خمود نباشد می‌توانیم کاملاً از آن بهره‌و‌افر گیریم. هر کار علمی که انجام دهم و مورد استفاده دانش‌پژوهان قرار گیرد، مرا تشویق به کار بهتر و بزرگ‌تر می‌نماید. احساس به این که توانسته‌ام قدمی در پیشبرد دانش بردارم، گرچه کوتاه

اشخاصی پیرامون قرآن کریم و نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و این گونه کتاب‌ها پژوهش‌هایی انجام می‌دهند که به عربی مسلط نیستند و از اسرار علوم ادبی عرب خبردار ندارند، اینان چگونه می‌توانند در این کتاب‌ها اظهار نظر کنند و نتیجه‌گیری نمایند و مطلب درستی ارائه دهند؟ شخصی را می‌شناسم چند کتاب در نسب به اصطلاح تحقیق کرده و در این رشته پر ادعاست، با اینکه در این موضوع بهره‌ای ندارد و اهل فن کارهای او را ناپسند و پر غلط معرفی می‌کنند.

البته این نظر کلی نیست، کسانی هستند که کارهای تحقیقی استواری انجام داده‌اند و باید از کوشش‌های پربهای آن‌ها تقدیر و تشویق شود تا برای دیگران الگو و راهگشا باشند.

■ برخی کارشناسان هنگام مقایسه احیا میراث شیعه در قم با احیا متون اهل سنت در کشورهای عربی، سطح پژوهش‌های تراثی در ایران را بسیار پایین می‌دانند. از نظر شما این اعتقاد تا چه میزان صحیح است و چه عواملی را در آن مؤثر می‌دانید؟

□ این مقایسه بطور کلی صحیح نیست. بیشتر کارهای تحقیقی مصریان و برخی از آثار حجازیان در سال‌های اخیر و کتاب‌های تراثی که عرضه کرده‌اند را می‌توان از فرآورده‌های علمی نیکو دانست و بیشتر آنچه در بیروت چاپ می‌شود، تجارتمندی است و ارزش علمی چندانی ندارد. پژوهش‌های تراثی ایران‌گاه خوب است و بیشتر آن‌ها به سبب ندانستن خصایص لغت عرب نیازمند تجدیدنظر می‌باشند، این کارها بدست اشخاص کاردان انجام نشده و چندان واجد شرایط تحقیقی نمی‌باشند، گرچه حرکت تراثی و احیا میراث علمی در کشورمان قابل تقدیر و ستایش است.

■ در احیای تراث تا چه میزان معتقد به استفاده از کارشناسان و اهل فن هستید و این مسأله در احیا میراث شیعی و ایرانی تا چه حد رعایت می‌شود؟

□ هر کاری باید به دست کارشناس سپرده شود، اگر نااهلان در کارها دخالت کنند آسیب‌های جبران‌ناپذیری در پیامد خواهد داشت. احیا تراث از این قاعده مستثنی نیست، بلکه باید در این جهت بیشتر رعایت شود چون پایه و اساس فرهنگ ما می‌باشد، ولی متأسفانه آن گونه که باید رعایت نمی‌شود، لذا خلأها و کمبودهای بسیاری به چشم می‌خورد.

■ به نظر می‌رسد در شرایط فعلی احیا تراث جایگزین ابداع و خلق مسأله را در حوزه دین گرفته است. به نظر شما علت چیست؟

□ اگر قبول کنیم که احیا تراث مقدمه‌ای برای ابداع و خلق نظرات جدید در دانش باشد، که چنین هم هست، پس مانع از ابداع نیست. متخصصان تراثی کار خود را انجام می‌دهند و محققان

و ناچیز باشد، مرا به پیش می‌راند. ثمرهٔ عمر چیست جز فایده رساندن به نیازمندان؟ چون این ثمره را در کارهایم درک کنم، مرا بیشتر وادار به کوشش می‌نماید. این تشویق معنوی است که برای من ارزش والایی دارد.

سفری از نجف اشرف به ایران آمدم و شش ماه در شهرهای مختلف اقامت داشتم، پذیرایی‌های گرم بزرگوارانی که بیشتر آن‌ها را نمی‌شناختم و دیدار کتابخانه‌های غنی و دستیابی به کتاب‌های خطی ارزشمند، مشوق دیگری بود که مرا به پیش می‌راند.

کار و کوشش وسیله‌ای است و هست که مرا مستغنی کرده و از دربوزگی و دست احتیاج دراز کردن به کس و ناکس و تملق و چاپلوسی نمودن برای این و آن بی‌نیاز ساخته است. آیا نمی‌تواند بهترین مشوق باشد؟!

خاطره‌هایی در این باره بسیار است، به نقل یکی از آن‌ها بسنده می‌کنم: کتاب اهل‌الآمل را در نجف چاپ کردم؛ ناشر مقداری از پول چاپخانه را بالا کشید، ناچار من با زحمت، مبلغ را از خود پرداختم، چون من کتاب را به چاپخانه برده بودم و خود را شرعاً و اخلاقاً مسؤول می‌دانستم. یکی از استادان عالی‌رتبه دانشگاه بغداد که مرا از نزدیک نمی‌شناخت، کتاب را نزد ناشر دیده و گفته بود: «دست فلانی را از طرف من ببوس که کتاب را این چنین احیا کرده است».

ضمن بازدید نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی وزیری در یزد، برگ‌هایی صورتی رنگ از کتابی را دیدم و پس از یک سال در سفر دیگری به یزد به مغازه آقای عجمین عتیقه‌فروش رفتم، اتفاقاً هنگام زیر و رو کردن برگ‌های پراکنده‌ای از چند کتاب، از همان کتاب صورتی رنگ چند برگ را یافتم، آن‌ها را خریده به کتابخانه وزیری دادم تا به نسخه اصل الحاق شود. در دانشگاه آکسفورد ضمن بازدید از کتابخانه «بادلیان»، به راهنمای جوان گفتم فرصت زیادی برای دیدن همه نسخه‌های خطی کتابخانه ندارم، لطفاً بهترین نسخه‌های فارسی و عربی را در اختیارم بگذار. تعدادی نسخه آوردند، چند کتاب را انتخاب کردم و عکس آن‌ها را خواستم؛ فیشی با آدرس دقیق و شمارهٔ تلفنم پر کردند. چون به ایران بازگشتم، فیلم نسخه روی میز کار در منزلم بود.

این را قیاس کنید با بعضی کتابخانه‌های کشور ما که «هیأت تشخیص نفیس» دارند که اگر نسخه درخواست شده نفیس باشد، ندهند!

#### ■ چه توصیه‌ای برای متولیان کتاب دارید؟

□ کتابخانه‌های عمومی و مراکز فرهنگی از دسترنج مردم تأسیس و اداره می‌شوند، باید هر چه بهتر در خدمت پژوهشگران در هر تخصص و لباسی باشند، قرار گیرند. هر گونه کوتاهی در برآوردن نیازهای آنان، خیانت به علم و دانش است.

#### کتاب‌شناسی استاد سید احمد حسینی اشکوری

آثار استاد سید احمد حسینی اشکوری اعم از تألیف، تصحیح، ترجمه بالغ بر ۱۷۰ مجلد مشتمل بر ۱۰۵ عنوان و بیش از ۵۰ مقاله در موضوعات گوناگون است. این آثار را می‌توان به پنج بخش ذیل تقسیم کرد:

#### الف - تألیفات چاپ شده:

تعداد مجلدات این تألیفات ۷۴ جلد در ۳۱ عنوان با عناوین ذیل است:

۱. اجازات الحدیث للعلامة المجلسی، (عربی)، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ ق.
۲. الامام الثائر، (عربی)، نجف: ۱۳۸۶ ق، قم: حروف‌چینی و ویرایش مجدد، ۱۴۲۴ ق.
۳. الامام الحکیم، (عربی)، نجف: دار الثقافة، ۱۳۸۴ ق.
۴. الامام الشاهرودی، (عربی)، نجف: ۱۳۸۵ ق.
۵. التراث العربی فی مکتبة آیت‌الله المرعشی (۶ جزء)، (عربی)، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۴ ق.
۶. تراجم الرجال (۱ جزء)، (عربی)، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۴۰۴ ق، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۴ ق در ۲ جزء؛ قم: نشر دلیل ما، ۱۴۲۲ ق در ۴ جزء.
۷. التعریف بالتراث، (عربی)، مقالاتی از آن در مجله «الهادی» به چاپ رسیده است.
۸. تلامذة العلامة المجلسی و المجازون منه، (عربی)، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ ق.
۹. حياة الشریف المرتضی، (عربی)، نجف: مکتبه الشریف المرتضی العامة، کاظمیه مطبعة الآداب، ۱۳۸۵ ق.
۱۰. دلیل المخطوطات، (عربی)، قم: ۱۳۹۷ ق، جزء اول.
۱۱. راهنمای فهرست کتابخانه مرعشی، (فارسی)، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۲ ق، در دو جزء.
۱۲. السیدة سکینة بنت علی علیه‌السلام، (عربی)، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۲ ق.
۱۳. علی هامش الذریعة الی تصانیف الشیعة، (عربی)، قم: ۱۳۸۳ ش، خانه پژوهش ضمن مجموعه نسخه‌پژوهی، جلد اول.
۱۴. فهرست مخطوطات خزانه الروضة الحیدریة، (عربی)، نجف: مطبعة النعمان، ۱۳۹۱ ق.
۱۵. فهرست مخطوطات الشیخ محمد الرشتی المهداة الی مکتبة الامام الحکیم العامة فی النجف الاشرف، (عربی)، نجف: مطبعة النعمان، ۱۳۹۱ ق.
۱۶. فهرست نسخه‌های خطی خاندان میبدی، (فارسی)، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۱ ش / ۱۴۲۳ ق.
۱۷. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی امام هادی

چاپ می‌باشند:

۱. احسن الاثر فی اعلام القرن الخامس عشر
۲. پراکندها
۳. تحفة الزمن باجازات اعلام الیمن
۴. اجزات الحدیث
۵. التراث العربی المخطوط فی مکتبات ایران العامة
۶. تقدیم الکتب و تقریظها
۷. حدیث جولة
۸. حوادث و خواطر
۹. دلیل المخطوطات (جلدهای دوم و سوم)<sup>۲</sup>
۱۰. دیوان الاربلی
۱۱. سرود غدیر
۱۲. سمیر الادیب
۱۳. شاعران فارسی سرا
۱۴. شخصیات بلارتوش
۱۵. صدف و خزف
۱۶. الطرق و المجازات الی ما اصدرته من الاجازات
۱۷. عرض حال، بخشی از آن در حدیث عشق چاپ شده است.
۱۸. فهرست کتابخانه مدرسه نوربخش - بروجرد
۱۹. فهرست مکتبه الامام الحکیم - نجف اشرف
۲۰. فهرست نسخه‌های خطی مدرسه خان - یزد (آماده چاپ)
۲۱. فهرست نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی (تتمه مجلدات در حال تألیف)
۲۲. فهرست نسخه‌های خطی مؤسسه آیت الله العظمی بروجردی - قم، در دو جلد (زیر چاپ)
۲۳. قصهٔ حیاتی
۲۴. قطف الازهار
۲۵. المخطوطات العربیة فی مرکز احیاء التراث الاسلامی (تتمه مجلدات در حال تألیف)
۲۶. مستدرکات فهرست کتابخانهٔ آیت الله مرعشی نجفی
۲۷. معجم اعلام الامامیة
۲۸. معجم المؤلفات القرآنیة
۲۹. المفصل فی تراجم الاعلام
۳۰. مهذب الذریعة الی تصانیف الشیعة
۳۱. نهج البلاغة فی الشعر العربی

ج - کتاب‌های تحقیق شده:

- ۴۰ عنوان کتاب در ۵۲ مجلد بدین قلم تحقیق شده<sup>۲</sup> که تفصیل آن چنین است:
۱. أطائب الکلم فی بیان صلة الرحم: شیخ حسن کرکی

- علیه السلام - مشهد مقدس، (فارسی)، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۷۷ ش / ۱۴۱۸ ق.
۱۸. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه آیت الله بروجردی - کرمانشاه، (فارسی)، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۰ ش / ۱۴۲۲ ق.
  ۱۹. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه علمیه آیت الله العظمی خویی - مشهد، (فارسی)، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۷۷ ش / ۱۴۱۹ ق.
  ۲۰. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی آقای گلپایگانی - قم: (فارسی)، قم: خیام، ۱۳۵۷ ش.
  ۲۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، (فارسی)، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۲۷ جلد.
  ۲۲. فهرست نسخه‌های خطی خورشید یزدگردی، ملتان - پاکستان، (فارسی)، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۰ ش / ۱۴۲۲ ق.
  ۲۳. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه بوعلی - همدان، (فارسی)، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۴ ش / ۱۴۲۶ ق.
  ۲۴. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه شخصی میبیدی - کرمانشاه، (فارسی)، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۴ ش / ۱۴۲۶ ق.
  ۲۵. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه صدوقی یزدی - یزد، (فارسی)، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۳ ش / ۱۴۲۵ ق.
  ۲۶. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی - کاشان، (فارسی)، قم: مجمع ذخائر اسلامی، سال ۱۳۸۱ ش.
  ۲۷. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مؤسسه امام صادق علیه السلام - قم، (فارسی)، قم: مجمع ذخائر اسلامی، سال ۱۳۸۳ ش.
  ۲۸. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مفتی الشیعه - قم، (فارسی)، قم: مجمع ذخائر اسلامی، سال ۱۳۸۱ ش.
  ۲۹. فهرست نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، (فارسی)، قم: مرکز احیاء میراث اسلامی ج ۱-۷، سال ۱۳۷۷-۱۳۸۴ ش / ۱۴۱۹-۱۴۲۶ ق.
  ۳۰. مؤلفات الزیدیه، (عربی)، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۳ ق، در سه جزء.
  ۳۱. المخطوطات العربیة فی مرکز احیاء التراث الاسلامی، (عربی)، قم: ۱۴۲۴ ق، در دو جزء.
  ۳۲. فهرست کتابخانهٔ جلیلی - کرمانشاه، قم: ۱۳۸۴.

ب - تألیفات چاپ نشده:

این تألیفات نیز ۳۲ عنوان است که در بیش از ۴۳ جلد قابل



- عاملی، قم، ۱۳۹۴ق.
۲. الامام الحسين و اصحابه: شيخ فضل على قزوینی، قم، ۱۴۱۵ق، جزء اول.
۳. أمل الأمل: شيخ حر عاملی، نجف، ۱۳۸۵ق، (دو مجلد)، در ایران و بیروت مکرر چاپ شده است.
۴. تاریخ ثورة النجف: شيخ محمدا مین صدر الاسلام خویی، قم، سال ۱۴۱۶ق، در جزء سوم «میراث اسلامی ایران» چاپ شده است.
۵. تبصرة المتعلمین: علامه حلی، قم: تهران و بیروت.
۶. تتیمم أمل الأمل: شيخ عبدالنبی قزوینی، قم، سال ۱۴۰۷ق.
۷. تسلیة الفؤاد فی بیان الموت و المعاد: سید عبدالله شبر، تحقیق به همراه رضا استادی، قم، سال ۱۳۹۳ق، مکرر چاپ شده است.
۸. تعلیقة أمل الأمل: میرزا عبدالله افندی، قم، سال ۱۴۱۰ق.
۹. تکملة أمل الأمل: سید حسن صدر، قم، سال ۱۴۰۶ق و بیروت ۱۴۰۷ق.
۱۰. جمل العلم و العمل: شریف مرتضی، نجف، ۱۳۸۷ق.
۱۱. دیوان أبی المجد اصفهانی: شيخ محمدرضا نجفی اصفهانی، قم، ۱۴۰۸ق.
۱۲. الذخيرة فی علم الکلام: شریف مرتضی، قم، ۱۴۱۱ق.
۱۳. الذریعة الی تصانیف الشيعة جلد ۶۲ مشهد، ۱۴۰۵ق، در بیروت مکرر چاپ شده است.
۱۴. رجال الکشی: نجف، بدون تاریخ.
۱۵. رسائل الشریف المرتضی: مجموعه اول، نجف، ۱۳۸۶، (مجموعه چهارم قم).
۱۶. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء: میرزا عبدالله افندی اصفهانی، قم، ۱۴۰۱ق، شش مجلد، و جلد هفتم در سال ۱۴۱۵ق چاپ شده است.
۱۷. ست أراجیز: سید علی حسینی میبیدی، قم، ۱۴۲۵ق.
۱۸. شرح الأرجوزة البطحیة: سید علی حسینی میبیدی، قم، ۱۴۲۵ق.
۱۹. ضیافة الاخوان: آقا رضی قزوینی، قم، ۱۳۹۷ق.
۲۰. فضل زیارة الحسين (ع) شریف شجری، قم، سال ۱۴۰۳ق.
۲۱. فقه القرآن، قطب راوندی: قم، ۱۴۰۵ق، (دو مجلد).
۲۲. الفوائد الغرویة: شيخ ابراهیم محقق رودسری (ق ۱۴)، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۴۱۹ق.
۲۳. فهرست آل بابویه: شيخ سلیمان ماحوزی، قم، ۱۴۰۴ق.
۲۴. قیس من تفسیر القرآن الکریم: شيخ علی سماکة الحلی، نجف، ۱۳۹۱ق.
۲۵. قواعد المرام فی علم الکلام: کمال الدین میثم بحرانی، قم، نوبت دوم، ۱۴۰۶ق.
۲۶. کتاب القضاء: میرزا حبیب الله الرشتی، قم، ۱۴۰۱ق.
۲۷. کشف الریبة عن أحكام الغیبة: شهید زین الدین بن علی عاملی، نجف، ۱۳۸۲ق.
۲۸. اللب اللباب فی غریب اللغة و الحدیث و الکتاب: شيخ محمدرضا غراوی، نجف، ۱۳۸۸ق، جلد اول.
۲۹. ما نزل من القرآن فی أهل البيت (ع) حسین بن حکم الحیری، قم، ۱۳۹۵ق.
۳۰. مؤلفون الشيعة فی صدر الاسلام: سید عبدالحسین شرف الدین عاملی، نجف، ۱۳۸۵ق، در تهران افسست چاپ شده است.
۳۱. المجلسیة: سید علی حسینی میبیدی، قم، ۱۴۲۵ق.
۳۲. مجمع البحرين و مطلع النیرین: شيخ فخرالدین طریحی، نجف، ۱۳۸۱ق، شش مجلد، در ایران و بیروت مکرر چاپ شده است.
۳۳. معدن الجواهر و ریاضة الخواطر: ابوالفتح محمد بن علی کراچکی، تهران: المكتبة المرتضویة، نوبت دوم، ۱۳۹۴ق.
۳۴. منتخب التصانیف: نورالدین اخباری کاشانی، قم، ۱۳۹۷ق، ضمن «دلیل المخطوطات».
۳۵. منیة المرید فی آداب المفید و المستفید: شهید ثانی زین الدین بن علی عاملی شامی (۹۶۵ق، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۴۰۲ق.
۳۶. نزهة الناظر فی الجمع بین الأشباه و النظائر: شيخ یحیی بن سعید حلی، نجف، ۱۳۸۶ق، در قم مکرر چاپ شده است.
۳۷. نهج الايمان: زین الدین علی بن یوسف بن جبر، قم، ۱۴۱۸ق.
۳۸. نهج المستشردين فی اصول الدین: علامه حلی، قم، بی تاریخ.
۳۹. وصف العلماء: علم الهدی کاشانی، قم، ۱۳۷۴ش، ذیل جزء دوم کتاب «میراث اسلامی ایران».
۴۰. الهیة و الاسلام: سید هبة الدین شهرستانی، نجف، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۴ق.

#### د - کتاب های ترجمه شده:

کتاب های رابطه العالم الاسلامی تألیف میرزا خلیل کمرهای و القرآن فی الاسلام علامه طباطبائی از فارسی به عربی ترجمه شده است.

#### ه - مقالات:

شمار مقالاتی که به قلم استاد اشکوری در عراق و ایران به عربی و فارسی چاپ شده فراوان است، ولی چون به جمع آوری آن ها اهتمامی نداشته اند، بسیاری از آن ها فعلا در دسترس نیست.

۲۴. مخطوطات مکتبه المهدوی - قم (تراثنا، شماره ۱ و ۲

سال ۱۸)

۲۵. گزیده نسخه‌های خطی کتابخانه فاضل خوانساری، (قم:

کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۴، ضمن «میراث اسلامی ایران»، دفتر دوم)

از آثار ایشان هم‌چنین تقریرات ابحاث عراقی و یادداشت‌هایی پراکنده نیز باقی مانده است.

۲. بخشی از مجلدات اول تا سوم دلیل المخطوطات قم،

۱۴۲۴ق به صورت جزوه‌های مستقل در ۱۲ عنوان چاپ شده بدین تفصیل:

۱. مخطوطات مکتبه النجومی - کرمانشاه.

۲. مخطوطات مکتبات دزفول.

۳. مخطوطات مکتبه عبدالعظیم الهادی - ضحیان، یمن.

۴. مخطوطات مکتبه الاردبیلی - قم.

۵. مخطوطات مکتبه الاسماعیلیه - شاهرود.

۶. مخطوطات مکتبه الامام هادی علیه السلام - مشهد.

۷. مخطوطات مکتبه الجزائری النجفی - النجف الاشرف.

۸. مخطوطات مکتبه السید الرضوی - کراتشی.

۹. مخطوطات مکتبه فحول القزوینی - قزوین.

۱۰. مخطوطات مکتبه البروجردی - کرمانشاه.

۱۱. مخطوطات مکتبه المرتضوی - مشهد.

۱۲. مخطوطات مکتبه المیبدی - مشهد.

۳. استاد در چاپ کتاب‌های فراوانی مساعدت نموده و یا بخشی از آن را تصحیح نموده‌اند و به جهاتی نام ایشان در کتاب‌ها

درج نشده است. هم‌چنین کتاب‌هایی نیز با نظارت ایشان بچاپ رسیده است که از جمله آن‌ها می‌توان به فهرست نسخه‌های

عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی اشاره کرد. این کتاب تألیف سید جعفر و سید صادق حسینی اشکوری (فرزندانش) بوده

و تاکنون پنج مجلد از آن منتشر شده است. کتاب دیگر شصت لوح هنری در شصت پاره قرآن مجید می‌باشد که ترجمه آن

نیز با عنوان ستون لوحه فنیة در سال ۱۳۸۳ ش بچاپ رسیده است. مجموعه‌ای از رسائل شریف مرتضی نیز که در هشت رساله

مستقل در سال ۱۳۸۳ ش بچاپ رسید. از این موارد می‌باشد. کتاب دیگر ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاحکام علامه مجلسی

است که به تحقیق سید مهدی رجائی بین سال‌های ۱۴۰۶ - ۱۴۰۷ ق در ۱۶ جلد بچاپ رسید.

بعضی از مقالات چاپ شده از قرار زیر است:

۱. اجازات العلامة المجلسی (میراث حدیث شیعه، دفتر

چهارم)

۲. مخطوطات مکتبه العلامة الطباطبائی - قم (تراثنا، شماره

۲ و ۳، سال دوم)

۳. گزیده نسخه‌های خطی کتابخانه فاضل خوانساری (میراث

اسلامی ایران، دفتر دوم)

۴. نگاهی به دو ترجمه عربی رباعیات خیام (طلایه، شماره

دوم، سال اول)

۵. اجازات شهرستانی (میراث حدیث شیعه، دفتر پنجم)

۶. مخطوطات مکتبه مدرسه الامام البروجردی - کرمانشاه

(تراثنا، شماره ۵۹ و ۶۰)

۷. مخطوطات مکتبه فحول القزوینی (تراثنا، شماره ۲، سال

اول)

۸. زندگی‌نامه خودنوشت شیخ آقا بزرگ تهرانی (میراث حدیث

شیعه، دفتر اول)

۹. مخطوطات مکتبه الحاج هدایتی (تراثنا، شماره ۳ و ۴،

سال اول)

۱۰. معرفی چند نسخه خطی از کتابخانه نوربخش (وقف

میراث جاویدان، سال ۶ شماره ۱)

۱۱. ولایت‌نامه امیرالمؤمنین علیه‌السلام، علی خان کرکی (ق

۱۰) (میراث حدیث شیعه، دفتر نهم)

۱۲. الامام الحسین فی الادب العربی (کنفرانس لندن،

۱۴۰۴ق)

۱۳. صون کرامه السادة (کنفرانس رم - ۱۹۹۸م)

۱۴. موقوفات امیرالمؤمنین علیه‌السلام (وقف میراث جاویدان،

شماره ۴، سال دوم)

۱۵. نسخه‌ای نادر از تاریخ مدینه «تحقیق النصره» (وقف

میراث جاویدان، شماره ۲، سال سوم)

۱۶. التعریف بالتراث: مسالک الدین و محاج المجتهدین

(مجله الهادی)

۱۷. التعریف بالتراث: الاثنا عشریات (مجله الهادی)

۱۸. التعریف بالتراث: عوالم العلوم و المعارف (مجله الهادی)

۱۹. التعریف بالتراث: المغنی، ابن فلاح (مجله الهادی، شماره

۱، سال سوم)

۲۰. التعریف بالتراث: المحيط الاعظم (مجله الهادی، شماره

۵، سال سوم)

۲۱. نگاهی به کتاب نه‌ایة التحصیل (سفینه، شماره ۲)

۲۲. فهرست مخطوطات مکتبه الجزائری (الذخائر، شماره ۹،

سال سوم)

۲۳. مخطوطات مکتبه الفیض المهدوی (تراثنا، شماره ۱ و

۲ سال ۱۶)

